



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۴۰۵، دوره ۹ شماره ۲، صص ۷۴۵-۷۱۹

دیدگاه‌ها و تجربیات زنان در شهرهای دوستدار زنان: بررسی بین‌المللی

پریا نصیری^۱، علیرضا محمدی^{۲*}، منصور رحمتی^۳، عطا غفاری گیلانده^۴

۱- دانشجوی مقطع دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۲- استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، ایران

a.mohammadi@uma.ac.ir

۳- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، ایران

۴- استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰

چکیده

این پژوهش به بررسی دیدگاه‌ها و تجربیات زنان در شهرهای دوستدار زنان می‌پردازد و هدف آن تحلیل عوامل مؤثر بر مطلوبیت فضای شهری برای این گروه است. شهر دوستدار زنان به معنای فضایی مناسب و مطلوب برای زندگی اجتماعی زنان در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، کالبدی و بهداشتی است. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات بنیادی و منابع اسنادی، به جمع‌آوری و اطلاعات در زمینه دیدگاه‌های زنان و در نهایت با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی مورد بررسی و ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که عوامل کلیدی مانند امنیت، دسترسی، تنوع کاربری‌ها، جذابیت فضا و رفتار مناسب با بانوان بر مطلوبیت شهری تأثیرگذارند. ایجاد شهرهای دوستدار زنان نه تنها به افزایش امنیت و دسترسی در فضاهای عمومی منجر می‌شود، بلکه به بهبود کیفیت زندگی و سلامت روانی آنان نیز کمک می‌کند. در سال‌های اخیر، توجه به نقش زنان در توسعه پایدار و برنامه‌ریزی شهری افزایش یافته است. نظریه‌های مختلف از جمله پایداری اجتماعی، عدالت فضایی و روان‌شناسی محیطی بر اهمیت طراحی فضاهای عمومی با در نظر گرفتن نیازهای زنان تأکید دارند. این نظریه‌ها نشان می‌دهند که دسترسی عادلانه به منابع و احساس امنیت می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی و جنسیتی منجر شود. مطالعه نمونه‌هایی از شهرهای موفق در این زمینه، مانند شهرهای آمریکا، کره جنوبی و هند، نشان می‌دهد که وجود فضاهای امن و سیاست‌های حمایتی به طور قابل توجهی کیفیت زندگی زنان را ارتقا می‌بخشد. همچنین، استفاده از نظریه‌های فمینیستی به عنوان چارچوب نظری، بر لزوم توجه به برابری جنسیتی و رفع نابرابری‌های ساختاری تأکید می‌کند.

کلیده واژه: عدالت جنسیتی، فضای شهری، تجربیات زنان، شهر دوستدار زنان،

با پیشرفت شهرنشینی در جهان، شهرها به عنوان مراکزی برای زندگی، کار، و تفریح برای بیشتر جمعیت جهان در نظر گرفته می شوند. این پدیده به ویژه در کشورهای در حال توسعه مانند هند و چین، سرعت بیشتری پیدا کرده است (Yadav and Kumari, 2021: 2). تحولات اجتماعی و اقتصادی موجب شده اند که شهرها در قرن بیست و یکم با تفاوت های چشمگیری نسبت به قرن بیستم همراه باشند، به ویژه با افزایش جهانی شدن، پیشرفت فناوری اطلاعات، و افزایش حضور زنان در نیروی کار (Ketchum, 2022; Molina-Torres, 2021: 256). این تغییرات نیازهای جدیدی را برای شهرها ایجاد کرده است، به گونه ای که نیازمند به برنامه ریزی و طراحی شهری نوین شده اند که بتوانند به بهترین شکل ممکن به این تحولات پاسخ دهند (غیاثوند، ۱۳۹۸: ۲۹۹). زنان به عنوان یکی از اقشار مهم جامعه، تأثیر بیشتری از فضاهای شهری را تجربه می کنند نسبت به مردان (مولایی و لطفی، ۱۳۹۸: ۷۷). اما در عمل، زنان همچنان با مشکلاتی مواجه هستند که باعث می شود که از فضاهای شهری به نحوی کمتر استفاده کنند نسبت به مردان. با توجه به اینکه نیمی از جمعیت جهان را زنان تشکیل می دهند، این امر می تواند مانع از حضور بهتری آنها در فضاهای شهری و شرکت بیشتر آنها در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی شود (قاسمی، ۱۳۹۸: ۵۴۲). همچنان در برنامه های شهری و سرمایه گذاری ها، اولویت های زنان به ندرت مورد توجه قرار می گیرد (Saki, 2022: 255). محدودیت های حضور زنان در فضاهای شهری ایران در ارتباط با هنجارهای غالب اجتماعی و اقتصادی قابل بررسی است؛ این هنجارها فضای خانه و نزدیک آن را متعلق به زنان می داند، امروزه همه بر این باور هستند که برای این گروه اجتماعی به دلیل ضرورت ارتباط با دیگر گروه ها و برقراری تعاملات اجتماعی و حق حضور در فضاهای شهری باید سطحی از عدالت در طراحی و برنامه ریزی فضایی رعایت شود (ABBASZADEH, 2023: 24). تفاوت بین زن و مرد و دیدگاه های پدرسالارانه نه تنها در شهرسازی، بلکه در بسیاری از موارد باعث شده است تا زنان حقوق خود را انکار کنند؛ این در حالی است که نقش کلیدی آنها در عرصه های مختلف بروز یافته است بی توجهی در برنامه ریزی شهری به متغیرهایی مثل جنسیت، سن، گروه های قومی کاهش شمولیت اجتماعی، تنزل کیفیت و... می تواند به نابرابری های اجتماعی زندگی از دیدگاه شهروندان، افول کیفیت محیط در فضاهای شهری، عدم تضمین حقوق اجتماعی و دسترسی عادلانه به فرصت ها و منابع و در نتیجه عدم تحقق عدالت اجتماعی دامن بزند (Behnam Morshidi 2020: 23). تحقیقات انجام شده در زمینه برنامه ریزی شهری نشان داده است که طراحی فضاهای شهری بر زندگی روزمره زنان بیشتر از مردان تأثیر می گذارد (Garcia Roman et al, 2004: 217). مطالعات متعددی نشان داده اند (Zarate Frye et al, 2014) که دسترسی محدود زنان به فضاهای شهری ممکن است دسترسی آنان به دانش، قدرت و منابع را محدود کند. آنچه اخیراً با توجه به گسترش شهرها و اهمیت مطالعه زندگی شهری مورد توجه بیشتری قرار گرفته، نابرابری های جنسیتی موجود در عرضه استفاده از فضاهای عمومی شهر است (ABBASZADEH, 2023: 24). بنابراین، برای ایجاد شهرهایی پایدار و دوستدار زن، نیاز به توجه ویژه به نیازها و آرزوهای زنان در این فضاها وجود دارد، تا همه افراد به یکنواختی از فضاهای شهری بهره مند شوند (آذر و محمدی بیرنگ، ۱۳۹۸: ۲۸-۲۹). از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی دیدگاه ها و تجربیات زنان در شهرهای دوستدار زنان، به تحلیل بین المللی این موضوع پرداخته و تلاش دارد تا راهکارهایی برای بهبود وضعیت شهری برای زنان ارائه دهد.

اهداف پژوهش

پژوهش حاضر به دنبال دستیابی به اهداف زیر است:

- شناسایی و تحلیل عوامل کلیدی مؤثر بر مطلوبیت فضای شهری برای زنان و تأثیر آن‌ها بر بهبود کیفیت زندگی آنان
- بررسی تأثیر احساس امنیت و دسترسی به فضاهای عمومی بر تجربیات زنان در شهرهای دوستدار زنان
- تحلیل نقش مشارکت زنان در فرایند برنامه‌ریزی شهری و بررسی تأثیر آن بر عدالت فضایی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی

مبانی نظری

مفهوم "شهر دوستدار زنان" به‌طور کلی در چارچوب زیست‌پذیری توصیف می‌شود که به ایده شهرهای زیست‌پذیر برای زنان از طریق مشارکت دادن آن‌ها در سازوکارهای تصمیم‌گیری محلی و همچنین بهره‌مند شدن آن‌ها از خدمات محلی به طور برابر بستگی دارد؛ بنابراین شهر زنان را می‌توان در قالب شهری برابری طلب یا تساوی‌گرا ارزیابی کرد که موجب می‌شود زنان به طور مؤثرتری از حقوق شهری به بهره‌مند شوند، آن‌ها را در کلیه سازوکارها و فرایندهای تصمیم‌گیری محلی مشارکت می‌دهد، شرایط زندگی بهتر و استانداردهای زندگی برابری هر جنسیتی از طریق تأمین خدمات محلی فراهم می‌کند. یک شهر همه‌شمول و دسترس‌پذیر مکانی است (Sipahi and Örselli, 2019: 240) که در آن هر فردی صرف‌نظر از توان اقتصادی، جنسیت، قومیت، معلولیت، سن، وضعیت مهاجرت یا مذهب قادر به مشارکت کامل در فرصت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی شهرها باشد (Kostas, 2020).

۱. نظریه‌های فمینیستی

فمینیست‌ها به این موضوع می‌پردازند که چگونه سیاست شهری، ساختار شهرها و مطالعات شهری باعث به حاشیه رفتن و نادیده‌گرفتن نیازها و اولویت‌های زنان شده است (Amani et al., 2019). دیدگاه فمینیستی به مسائل مختلف زندگی شهری مانند استفاده متفاوت زنان و مردان از فضای شهری، لزوم حمایت از امنیت زنان، نیاز ویژه زنان به حمل‌ونقل و دسترسی، و لزوم برابری در عرضه‌های عمومی و اقتصادی توجه می‌کند (Abada, 2013). در دنیای امروز، با گسترش جوامع و افزایش هزینه‌های زندگی، مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی به امری ضروری تبدیل شده است. نتایج نظرسنجی‌های مختلف نشان می‌دهد که یکی از عمده‌ترین مسائل و مشکلات زنان، کمبود امنیت است که می‌تواند فعالیت‌های زنان را در محیط‌های عمومی محدود کند و حضور آنان را به عنوان شهروندان فعال به چالش بکشد (Center for Women's Participation, 2020). نابرابری در فضاهای شهری و محیط نامطلوب شهری می‌تواند هم در توسعه عدالت اجتماعی مؤثر باشند و هم در صورت نبود برنامه‌ریزی دقیق، تعمیق نابرابری‌های اجتماعی را تشدید کنند. برای تأمین برابری در جامعه، لازم است تفاوت در نیازها، موقعیت و اهداف افراد درک شده و موانع محدودکننده حضور و مشارکت اجتماعی زنان رفع شود. به عنوان شهروندان، زنان حق حضور، مشارکت و لذت از زندگی مدنی در شهر دارند و باید تمامی موانع حضور آنان در زندگی شهری محدود

شود. تجربه استفاده از فضاهای عمومی برای استفاده‌کنندگان مختلف با توجه به سن، جنس، طبقه اجتماعی و... متفاوت است و در زندگی و درک آنها از محیط تاثیرگذار است (Shekhar et al., 2019). زنان به دلیل خصوصیات بیولوژیک و مسئولیت‌ها و نگاه متفاوت خود به فضاهای شهری نیاز به تسهیلات خاصی دارند که با نیازهای جسمی، عاطفی و روحی آنها سازگار باشد و زندگی روزمره و فعالیت‌هایشان را تسهیل کند. عرضه‌های عمومی شهری باید بتوانند محیطی امن، سالم، پایدار و جذاب برای همه افراد، با توجه به تفاوت‌ها و شباهت‌های میان گروه‌های سنی و جنسی و اجتماعی فراهم کنند و به نیازهای اقشار مختلف اجتماعی پاسخ دهند (Jiang et al., 2021). ولتاین (۱۹۹۰) معتقد است که با طراحی کنترلی می‌توان اعتماد زنان را به حضور در فضاهای عمومی شهری افزایش داد. احساس امنیت زنان به شدت با نحوه ادراک آنها از محیط فیزیکی و اجتماعی اطرافشان ارتباط دارد (Bamanian et al., 2019).

فمینیسم لیبرال

فمینیسم لیبرال، به‌کارگیری اصول لیبرالیسم در حوزه زنان است. این نوع از فمینیسم به طور گسترده‌ای پذیرفته شده و یکی از اصلی‌ترین و قابل قبول‌ترین اشکال فمینیسم به شمار می‌رود. فمینیست‌های لیبرال بر توانایی عقلانی زنان تأکید می‌کنند و آنان را در این زمینه برابر با مردان می‌دانند. هدف اصلی فمینیسم لیبرال از دیرباز، احقاق حقوق برابر برای زنان بوده است؛ از جمله حقوق برابر در مقابل قانون، فرصت‌های شغلی برابر، پرداخت برابر، دسترسی برابر به خدمات، پیشرفت برابر، اعتبار برابر، و برخورداری زنان از حقوق شهروندی مساوی با مردان (بشیر و قمیشیان، ۱۳۹۰: ۶). فمینیست‌های لیبرال به دنبال برابری در عرصه‌های عمومی هستند و بر این باورند که زنان همان حقوق طبیعی و غیرقابل انکار مردان را دارند. آن‌ها معتقدند که تفاوت‌های قابل مشاهده میان دو جنس ذاتی نیستند؛ بلکه نتیجه اجتماعی شدن و نقش‌پذیری است. این گروه با این ادعا که زنان به طور بنیادین با مردان تفاوتی ندارند، ولی به دلیل جنسیت خود از بسیاری از فرصت‌ها محروم می‌شوند، خط فکری خود را پیش می‌برند. اصول اساسی اندیشه‌های فمینیسم لیبرال عبارت‌اند از:

– **مشابهت وجودی:** زن و مرد به لحاظ وجودی تفاوتی با یکدیگر ندارند. روح و قوای عقلانی آنان یکسان است.

– **اهمیت تعلیم و تربیت:** بسیاری از تفاوت‌های غیراصیل که میان زن و مرد مطرح شده، حاصل تعلیم و تربیت نادرست است. تعلیم و تربیت صحیح می‌تواند تغییرات مطلوب اجتماعی ایجاد کند.

– **حقوق طبیعی:** افراد از حقوق طبیعی برخوردارند و زنان نیز چون مردان دارای این حقوق هستند.

فمینیسم لیبرال به انسان بودن زن و مرد تأکید دارد و خصیصه‌های مردانه و زنانه را اموری جانبی می‌داند. سرشت زنانه و مردانه کاملاً یکسان است و تنها انسان وجود دارد بدون جنسیت (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۱۱). از جنبه‌های تاریخی، فمینیست‌های لیبرال تحت لوای قانون، برای تساوی حقوق زنان با مردان، حق رأی، ورود به بازار کار، دسترسی برابر به امکانات آموزشی، حق مالکیت ناشی از ازدواج، و حفظ و نگهداری جسم زنان در مقابل آزار و اذیت تلاش کرده‌اند. از دیدگاه آنان، دختران باید از نسبت مساوی برای آموزشی مشابه پسران برخوردار باشند (بشیر و قمیشیان، ۱۳۹۰: ۱۳۹۰).

۵۷). اگرچه گرایش به برابری زنان و مردان در اندیشه فمینیسم لیبرال نقطه قوت آن شمرده می‌شود، این مکتب فرد را بر جامعه مقدم می‌داند و توجهی به این نکته ندارد که زن و مرد مساوی هستند اما مشابه نیستند (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۱۵). فمینیست‌های لیبرال غالباً زن را به عنوان یک مقوله غیرمسئله‌دار در نظر می‌گیرند که از نظر نژاد، سن، تمایلات و طبقه تفاوتی ندارد. بسیاری از عقاید فمینیسم لیبرال بر روی زنان سفیدپوست متمرکز شده‌اند و تفاوت رنگ پوست را مورد بررسی قرار نمی‌دهند. این عقاید در آثار جغرافیایی به ویژه در اواخر دهه ۱۹۷۳ و اوایل دهه ۱۹۲۳ تأثیرگذار بوده‌اند. فمینیسم لیبرال بر حقوق برابر و فرصت‌های برابر برای زنان تأکید دارد. این نظریه معتقد است که زنان باید به همان اندازه مردان از دسترسی به فضاهای عمومی و امکانات شهری برخوردار باشند. طراحی فضاهای شهری باید نیازهای زنان را به طور مساوی در نظر بگیرد و از تبعیض‌های جنسیتی جلوگیری کند (Tong, 2009). این نظریه در تحقیقات جدید نیز مورد تأکید قرار گرفته و نشان می‌دهد که چگونه برنامه‌ریزی شهری می‌تواند به بهبود دسترسی و امنیت زنان کمک کند (Whitzman, 2013).

فمینیسم رادیکال

فمینیسم رادیکال، در دهه ۱۹۳۳ میلادی مقارن با تحولات مربوط به حقوق مدنی به وجود آمد. این گروه معتقدند از میان تبعیض‌ها و ستم‌های طبقاتی، قومی، مذهبی و نژادی بنیادی‌ترین ساختار ستمگری به جنسیت تعلق دارد که همان نظام پدرسالاری است. فمینیسم رادیکال، ریشه اصلی تسلط مردان بر زنان را ناشی از نقش‌های متفاوتی می‌داند که قبل و بعد از تولید مثل جنسی به زنان و مردان محول شده است. بطور مثال مردان به کار در خارج از خانه و زنان به کار تربیت و بزرگ کردن فرزندان در خانه مشغول می‌شوند. آنان بر این نکته تأکید کرده‌اند که چنین تقسیم کاری که به وسیله مردان تعریف شده است نوعی وابستگی زیستی ایجاد کند. از دیدگاه فمینیست‌های رادیکال، نابرابری‌های جنسیتی محصول یک نظام مقتدر و مردسالار و مهم‌ترین شکل نابرابری اجتماعی است. تفاوت‌های ذهنی و روحی و اختلافات در نگرش‌ها و استعدادها تماماً محصول روابط اجتماعی و تاریخی است. فمینیست‌های رادیکال، علت فرودستی زنان را طبیعت پرخاشگرانه مردان می‌دانند و معتقدند مردان از این خصوصیت برای کنترل زنان بهره می‌گیرند. از نگاه آنان، زنان باید جدا از مردان زندگی کنند چون حتی در صمیمانه‌ترین روابط میان مرد و زن سلطه مردانه وجود دارد. آرمان فمینیست‌های رادیکال، تحقق جامعه‌ای فاقد از جنسیت است اما بسیاری از آنان پا را فراتر گذاشته و صفات ارزشمند را صفات ویژه زنان دانسته‌اند. بنابراین، در میان دیدگاه‌های فمینیستی، فمینیسم رادیکال بیشترین توجه به مقوله قدرت و تمایز بین دو جنس دارد. فرودستی زنان مسئله اصلی فمینیست‌های رادیکال است و نظریه آنان در جهت آشکار کردن و از میان برداشتن این فرودستی است. فمینیست‌های رادیکال معتقدند که فرهنگ زنان، دانش زنان و درک ذهنی آنها همگی از سوی مردان انکار شده است. مردان تعیین کرده‌اند که چه چیز باید با ارزش یا بی‌ارزش شمرده شود. اهداف فمینیسم رادیکال، دستیابی به تساوی با مردان تحت ساختارهای اقتصادی و اجتماعی موجود نیست بلکه تغییر کامل نهادهای اجتماعی موجود است. به نظر می‌رسد راه‌حل‌های فمینیسم رادیکال برای رفع نیازهای زنان ناکافی و ضعیف است (نادری، ۱۳۹۲: ۵۲). فمینیسم رادیکال به ساختارهای قدرت و نابرابری‌های جنسیتی توجه دارد. این نظریه تأکید می‌کند که ساختارهای پدرسالارانه و مردم‌محور در جامعه، زنان را در فضاهای شهری به حاشیه رانده و امنیت و دسترسی آنان را محدود می‌کند. برای ایجاد شهرهای دوستدار زنان،

لازم است این ساختارها و نظام‌های تبعیض‌آمیز مورد بررسی و تغییر قرار گیرند. تحقیقات جدید نشان می‌دهند که تغییر در سیاست‌های شهری می‌تواند به کاهش این نابرابری‌ها کمک کند.

فمینیسم سوسیالیستی

فمینیسم سوسیالیسم حاصل انتقادات وارده بر فمینیسم مارکسیسم و ملاحظات فمینیسم رادیکال است. این گرایش تلفیقی از دو

دیدگاه فمینیسم مارکسیسم و رادیکال است. در حقیقت زیربنا و شالوده این فمینیسم، انتقاد این گروه از درجه دوم تلقی شدن مسائل زنان، عدم توجه به ستم بر زنان از جانب مردان در درون خانواده در فمینیسم مارکسیسم از یک سو و نادیده‌انگاشتن تأثیر مسائل اقتصادی و نظام سرمایه‌داری در سرکوب زنان و تحویل همه مسائل زنان به پدرسالاری فمینیسم رادیکال است؛ بنابراین، فمینیسم سوسیال معتقد است که هم نظام جنسیتی پدرسالارانه و هم نظام سرمایه‌داری در ستم علیه زنان نقش ایفا می‌کنند. آنان برای رهایی جنس زن، خواستار اصلاح نظام اقتصادی جامعه و حاکمیت سوسیالیسم و نیز اصلاح در ابعاد فرهنگی و روانکاوانه جامعه هستند. فمینیسم سوسیالیسم، نظام اقتصادی و سلطه پدرسالارانه را عامل فرودستی زنان می‌داند و راه رهایی از این وضعیت علاوه بر اصلاح نظام اقتصادی جامعه و حاکمیت سوسیالیسم، اصلاح وضع موجود از لحاظ فرهنگی و روان‌شناختی نیز هست. یکی از نظریه‌پردازان فمینیسم سوسیال بر این نکته تأکید کرده است که زنان را باید چون کارگران خانگی در نظر گرفت. آنها در واقع مولد ارزش‌های مصرفی هستند و نتایج کار آنان بدون واسطه مورد استفاده افراد خانواده قرار می‌گیرد البته چون زنان بابت کار خود مزد دریافت نمی‌کنند و در جامعه سرمایه‌داری نیز درآمد مالی دارای اهمیت است، زنان موقعیت فروتری پیدا می‌کنند و کارشان بی‌ارزش تلقی می‌شود. فروکاستن مسئله زن به مسئله کارگر و فراموشی نقش محوری او در خانه در جایگاه همسر و مادر خود انتقادی اساسی به فمینیست سوسیالیستی است. ارزش زن فقط در امور مادی خلاصه نمی‌شود و نگاه صرفاً مادی به زن، موجب تنزل جایگاه او می‌شود فمینیسم سوسیالیستی بر ترکیب مسائل جنسیتی با مسائل طبقاتی و اقتصادی تمرکز دارد. این نظریه به بررسی چگونگی تأثیرات نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی بر دسترسی زنان به فضاهای شهری می‌پردازد. فمینیسم سوسیالیستی پیشنهاد می‌دهد که برای بهبود وضعیت زنان در فضاهای شهری، باید سیاست‌های عدالت‌محور و برابری‌طلبانه اجرا شوند پژوهش‌های اخیر نیز به بررسی ارتباط بین عدالت فضایی و جنسیتی پرداخته‌اند.

فمینیسم اسلام

فمینیسم اسلامی، مفهوم و جریانی است که متأثر از جریان غربی فمینیسم در کشورهای اسلامی رواج یافته است. از دو دهه قبل یا پیش‌تر از آن، تعدادی از پژوهشگران زن مسلمان و تعدادی کمی از پژوهشگران مرد مسلمان ادعا کردند که آن‌ها تفسیری اسلامی از فمینیسم ارائه داده‌اند و نام فمینیسم اسلامی را بر آن گذاشته‌اند. البته طرح مباحث این‌چنینی در جهان اسلام در پی نفوذ مدرنیته به کشورهای اسلامی صورت پذیرفته است، به گونه‌ای که بیشتر مدافعان حقوق زنان در این کشورها خود را فمینیست مسلمان معرفی می‌کنند. اگر بخواهیم این جریان را در تقسیم‌بندی‌های مربوط به نظریات فمینیستی جای دهیم، می‌توان آن را به عنوان شاخه‌ای از فمینیسم پست‌مدرن به شمار آورد؛ زیرا هر

دو بر نسبیت فرهنگی استوارند. بدین معنا که هر جامعه‌ای برای مسائل خود پاسخ بومی دارد که باید در قالب فضاهای فرهنگی خود آن را ارائه نماید. طی دو دهه اخیر، فمینیسم اسلامی به عنوان یکی از شاخه‌های مکتب فمینیسم مطرح شده است. فمینیسم اسلام‌گرا، ضمن توجه به مسائل زنان و تأکید بر ضرورت انجام اصلاحات اساسی، راه‌حل‌ها را نه در حذف و تغییر قوانین اسلامی بلکه در شناخت درست این قوانین می‌داند. فمینیست‌های اسلامی برخلاف فمینیست‌های غربی که نهاد خانواده و مادری را ساخته نظام مردسالاری و برای تحکیم اقتدار خویش می‌دانند، بر حفظ کیان خانواده اصرار دارند و بر نقش زن تأکید می‌کنند. آن‌ها خواهان خانواده‌ای مبتنی بر برابری نقش‌ها و نفی سرپرستی مرد هستند و دموکراسی در خانواده را جایگزین مناسب برای سرپرستی مرد می‌دانند (حسین‌زاده و عباسیان، ۱۳۹۴: ۲۱۶). از دیدگاه آنان، مردسالاری مسأله اصلی زنان در خانواده و اجتماع است. ادعای فمینیست‌های مسلمان این است که آن‌ها تفسیری غیرپدرسالارانه از قرآن ارائه می‌دهند که در برابر تفسیر پدرسالارانه از قرآن قرار می‌گیرد. قرآن هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ عملی، پدرسالاری را هم در خانواده و هم در جامعه نقد می‌کند. برخی کشور مصر را به عنوان یکی از نخستین کشورهای اسلامی ذکر می‌کنند که اندیشه‌های فمینیستی به آن راه یافته است. از مهم‌ترین آثار زن‌پژوهی در این دوره می‌توان به کتاب "المرأة و المرأة الجديدة" نوشته قاسم امین اشاره کرد که وی سعی نمود بر اساس دیدگاه تجدیدگرایانه به تفسیر و تأویل آموزه‌های دینی بپردازد. فمینیسم اسلامی تندرستی زنان را در اولویت اول و حقوق زنان را در رتبه بعدی قرار می‌دهد. فمینیسم اسلامی یک ایده آگاه‌سازی است که بر اساس بازخوانی نوشته‌های مذهبی می‌گوید مردان و زنان حقوق برابر دارند. تمام مدعا در قالب یک گزاره قابل ارائه است؛ زن انسان است. اگر پذیرفته شود که زن و مرد هویت انسانی یکسان دارند، می‌توان به این نظریه رهنمون شد که حقوق انسانی زن و مرد نیز برابر است. فمینیسم اسلامی درصدد حاضر نمودن زن در صحنه مسئولیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است تا مانند مردان حضوری فعال در تمامی عرصه‌ها داشته باشد. زیرا اسلام زن را از قید و اسارت مردها بیرون می‌آورد و آن‌ها را هم‌ردیف مردان قرار می‌دهد. به اعتقاد برخی پژوهشگران، اصطلاح فمینیسم اسلامی برای ارائه گزینه‌ای اسلامی از فمینیسم شکست می‌خورد، زیرا بیشتر به سمت فمینیسم تمایل دارد تا اسلام. دیدگاه اسلام درباره وضعیت و نقش زنان در خانواده و به خصوص جامعه برای ارتقاء حقوق زنان مسلمان به اندازه کافی جامع و قوی است و نیازی به نظریات فمینیستی ندارد (Kausar, 2017:80).

۲. نظریه‌های شهری

زنان در توسعه پایدار

جنبش برابری زنان و جنبش توسعه پایدار در دهه ۱۹۸۰ با اهداف و روش‌های متفاوت در جهان گسترش یافتند. با این حال، در انجام موضوعات مهم و مشترکی مانند حفاظت از زمین، توسعه عدالت اجتماعی و مشارکت، به همکاری و همفکری رسیدند. بر اساس این اصول، توجه به پایداری اجتماعی، ایمنی زنان و برنامه‌ریزی شهری مورد توجه قرار گرفت.

پایداری اجتماعی و برنامه‌ریزی شهری

پایداری اجتماعی شروع به توجه اساسی در برنامه‌ریزی شهری کرد، به‌ویژه باتوجه‌به افزایش سطح آگاهی در مورد مسائل اجتماعی، اقتصادی و چالش‌های زیست‌محیطی که شهرهای سراسر جهان با آن مواجه هستند. اهمیت پایداری اجتماعی در سال ۲۰۳۰ توسط سازمان ملل متحد (UN) به رسمیت شناخته شد و در دستور کار توسعه پایدار با هدف ایجاد شهرهای پایدار و فراگیر برای همه جای گرفت. اهمیت پایداری اجتماعی در برنامه‌ریزی شهری در تأثیری که بر کیفیت زندگی ساکنان می‌گذارد، مشهود است. همچنین با پرداختن به مسائل عدالت اجتماعی، نابرابری و تبعیض، که می‌تواند منجر به محرومیت و به حاشیه راندن شود، اهمیت بیشتری پیدا (Castillo, 2016).

جنبه‌های کلیدی پایداری اجتماعی در برنامه‌ریزی شهری

۱. **ترویج مشارکت و مشارکت جامعه:** پایداری اجتماعی مستلزم آن است که برنامه‌ریزی شهری با در نظر گرفتن نیازها و منافع همه اعضای جامعه انجام شود.
۲. **ایجاد محله‌های قابل سکونت و فراگیر:** برنامه‌ریزی شهری می‌تواند به ایجاد محله‌های زیست‌پذیر و فراگیر کمک کند که دارای فضاهای عمومی امن و قابل دسترس، مسکن مقرون‌به‌صرفه و دسترسی به خدمات ضروری مانند مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و حمل‌ونقل باشند.
۳. **تشویق انسجام اجتماعی و تنوع فرهنگی:** برنامه‌ریزی شهری می‌تواند انسجام اجتماعی و تنوع فرهنگی را با ایجاد فضاهایی که تسهیل‌کننده تعاملات اجتماعی و تبادل فرهنگی باشند، تشویق کند. این اقدامات می‌تواند به ایجاد حس اجتماعی و تقویت روابط اجتماعی کمک کند.
۴. **رسیدگی به نابرابری‌های اجتماعی و عدالت زیست‌محیطی:** برنامه‌ریزی شهری می‌تواند به مسائل نابرابری اجتماعی و ترویج عدالت زیست‌محیطی بپردازد، با اطمینان از اینکه تصمیمات برنامه‌ریزی به شکلی انجام شود که برابری و انصاف را ترویج کند (Fadlia et al., 2021).

دیدگاه‌های اندیشمندان علوم شهری در ارتباط با فضای شهری

بسیاری عقیده دارند که فضای شهری از دو جنبه کالبدی و اجتماعی مورد ارزیابی اندیشمندان قرار گرفته است. بدین معنا که بررسی‌های کالبدی بیشتر از نگاه معماران و بررسی‌های اجتماعی از دید جامعه‌شناسان شهری، برنامه‌ریزان و جغرافی‌دانان شهری بوده است. تا قبل از قرن بیستم که میان هنر، فلسفه و علم و نهادهای اجتماعی جدایی نبوده است، فضای شهری نشان‌دهنده اجتماع بوده و تفاوتی بین فرم فضای شهری و عملکرد آن نبوده است. با شروع قرن بیستم و اشاعه بیش از پیش تفکر مدرن، مدرنیسم، فضای شهری را نتیجه جبری عملکردهای اجتماعی که در شهر اتفاق می‌افتد دانست. از نظر روکر بهترین راه ادراک فضای شهری نگاه دقیق به تجربه فضا در طول تاریخ است. از نظر زوکر شرایط اجتماعی و اقتصادی تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری فضای شهری دارد و نیروهایی را در شکل‌گیری فضای شهری دخیل می‌داند که عبارت‌اند از عوارض زمین رثال اقلیم، عوامل ملی، آثار متغیر سبک دوره زایش و نیروهای ایستا و پویا. کوین لینچ از دیگر اندیشمندانی است که از نظر او فضای شهری یکی از عناصر بسیار مهم در خوانایی شهر است و خوانایی از نظر لینچ کلید درک شهر و رابطه اصولی شهروند و شهر است (لینچ، ۱۳۹۵: ۱۳). از

نظر کستلز فضا بازتاب جامعه نیست؛ بلکه خود جامعه است." فضا بعد مادی جامعه است و اگر آن را مستقل از روابط اجتماعی در نظر بگیریم، مانند آن است که ماهیت را از جسم آن جدا سازیم و اولین اصل هر علم اجتماعی را نادیده بگیریم. روح و جسم باهم ارتباط متقابل دارند. در نتیجه از نظر کستلز، فضا از دو بعد فیزیکی و اجتماعی برخوردار است و فضای فیزیکی و اجتماعی را از هم جدا نمی‌کند؛ بلکه آن‌ها را ابعاد یک موضوع می‌داند. از آن جا که فضا چیزی جز جامعه نیست، بنابراین تغییر محیط به معنای تغییر روابط اجتماعی است.

دیدگاه‌های عدالت فضایی شهری

پس از انقلاب صنعتی در اواسط قرن هجدهم، جنبشی به نام "مدرنیسم" شکل گرفت که بر پایه خرد و تکنولوژی استوار بود. مدرنیسم به دوره‌ای اطلاق می‌شود که در آن آرمان‌های بورژوازی، جهان‌بینی، علم‌گرایی و کلی‌گرایی گسترش یافتند. در این دوره، شهرها به‌عنوان نماد تمدن مدرن تغییرات بزرگی را پذیرفتند. مدرنیسم به شهرها به‌گونه‌ای نگاه می‌کرد که قطع ارتباط با گذشته، تاریخ و زمان را مدنظر داشت و بیشتر به مسائل معماری توجه می‌کرد. در این دیدگاه، موقعیت، مکان، فرهنگ و سنت اهمیت چندانی نداشتند؛ بنابراین، برنامه‌ریزان شهری مدرنیست نیز شهر را بر اساس قطع ارتباط با گذشته و تاریخ و به‌طور کلی سنت شکل دادند. این محیط‌های شهری به لحاظ فضایی و اجتماعی به بخش‌های مجزا تقسیم شدند و تلاش‌های آنان به ساخت شهری بهتر، سالم‌تر و کارآمدتر متمرکز بود. در برنامه‌ریزی شهری مدرنیستی، اقتصاد، کالبد، اجتماع و فرهنگ در شهر به‌صورت جداگانه تحلیل می‌شدند. مدرنیسم باتکیه بر جدایی عناصر شهری، منطقه‌بندی و تقسیم شهر به چهار عملکرد اصلی سکونت، کار، فراغت و رفت‌وآمد، مفهوم فضای شهری را به فراموشی سپرد. این موضوع پیامدهای زیادی برای شهرها به همراه داشت و شهرها و فضاهای شهری را با چالش‌های زیادی روبه‌رو کرد که یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها بی‌عدالتی بود. مفهوم عدالت تاکنون به شکل‌های مختلفی توسط اندیشمندان بررسی شده است. فیلسوفان یونان باستان اولین بار به بررسی عقلانی و استدلالی مفهوم عدالت پرداختند. افلاطون از عدالت به‌عنوان یک آرمان قابل تبیین حمایت می‌کرد. او معتقد بود که عدالت زمانی در جامعه به وجود می‌آید که هر کس به کاری که شایستگی و استعداد آن را دارد، مشغول شود. افلاطون عدالت را در توازن و تعادل می‌دید (Hilier, 2012). از نظر لینچ، عدالت روشی است که از طریق آن هر نوع سود و زیان بین افراد جامعه توزیع می‌شود. میلر عدالت را به معنی چگونگی تقسیم چیزهای خوب و بد در میان اعضای جامعه بشری می‌داند و زمانی که برخی سیاست‌ها را ناعادلانه می‌دانیم، مدعی هستیم که یک شخص یا گروهی از افراد کمتر از فرد یا گروه دیگر از منافع بهره‌مند می‌شوند. از دیدگاه روسو و مارکس، عدالت در گرو اجرای برابری در جامعه است. عدالت را می‌توان توزیع برابر منابع و ابزار تولید در بین افراد جامعه تعریف کرد و همچنین در برخی منابع، عدالت به معنای برابری و تساوی تعبیر شده است (گروسی و شمس‌الدین مطلق، ۱۳۹۲). از دیدگاه هاروی، واژه عدالت بسته به شرایط اجتماعی، جغرافیایی و تاریخی معانی مختلفی دارد. عدالت در زمان‌ها و فضاهای مختلف و در میان افراد متفاوت، معانی مختلفی به خود می‌گیرد. هاروی معتقد است که نمی‌توان تعریفی انتزاعی از عدالت ارائه داد. برابری فرصت به‌عنوان دیدگاه سوم، نگرشی متفاوت به مفهوم عدالت دارد که در راستای تبیین نحوه جبران محرومیت‌هایی که به‌واسطه شرایط خارج از کنترل افراد، گریبان‌گیر آن‌ها می‌شود، مطرح شده است. در بررسی اصول

و مبانی عدالت می‌توان سه دیدگاه کلی را مطرح نمود: دیدگاه رالز، هاروی و دیدگاه فرصت‌های برابر. از نظر رالز، جامعه مطلوب بر پایه دو اصل تدوین می‌گردد. اصل نخست از آزادی‌های برابر و فرصت‌های برابر دفاع می‌کند؛ با این مفهوم که همه افراد جامعه باید حقی برابر نسبت به آزادی‌های اساسی داشته باشند و اصل دوم ناظر بر این نکته است که تحت چه شرایطی می‌توان گفت نابرابری‌ها، اجتناب‌ناپذیر، موجه و عادلانه هستند (امین‌زاده و روشن، ۱۳۹۱). نظریه‌های عدالت فضایی به بررسی توزیع عادلانه منابع و امکانات در فضاهای شهری می‌پردازند. این نظریه‌ها تأکید می‌کنند که نابرابری‌های فضایی و جغرافیایی می‌توانند به تبعیض‌های جنسیتی و نابرابری‌های اجتماعی منجر شوند. برای ایجاد شهرهای دوستدار زنان، توزیع عادلانه امکانات و خدمات شهری ضروری است. تحقیقات جدید نیز به بررسی سیاست‌های شهری برای تضمین عدالت فضایی پرداخته‌اند.

۳. نظریه‌های اجتماعی و فرهنگی

نظریه‌های هویت و تفاوت

در علوم جغرافیایی، مفهوم مکان در تحلیل جامع از مفاهیم اجتماعی و طبیعی محیط نقش مهمی ایفا می‌کند؛ بنابراین، مفهوم مکان در کانون مطالعات جغرافیایی قرار دارد. انسان‌ها با مکانی که آن‌ها را خود دلبسته کرده است. رابطه احساسی برقرار می‌کنند. برای شهر و محیط زندگی انسان نیز همانند هر اثر انسانی دیگر، می‌توان هویتی قائل شد که این هویت، ضمن آن که منبعث از هویت و تفکر انسانی است، مقوم آن نیز است، مفهوم هویت از دیدگاه علوم مرتبط با شهر، غالباً در دو بخش مکمل یکدیگر مطرح می‌شود. نخست، ایجاد خاطره و تداعی در شخص و دوم، تمایز و استقلال شخص؛ بنابراین تشخیص هویت، فرایندی قیاسی بین عینیتی موجود با ایده‌هایی از آن در ذهن است. از این دیدگاه، هر فضا به‌رغم موجودیت خارجی مستقل، در فرایند ادراک به پدیده‌ای ذهنی تبدیل می‌شود و ما در این فرایند، از این تصویر ادراکی و ذهنیت خود بهره می‌گیریم و فضا را با آن می‌سنجیم؛ بنابراین تشخیص هویت در واقع نوعی از ارزش‌گذاری یا تعیین کیفیت است که بین فضا با اندوخته‌های ذهنی فرد از تجربه‌های مستقیم تا فرهنگ و سنت ارتباط کاملی برقرار می‌کند (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۰). باندز دیدگاهی را که معتقد است ترس یک خصیصه زنانه است به چالش می‌کشد و معتقد است که محدودیت تحرک زنان در استفاده از فضا و هم در بر ساخت هویت به معنای تحت سلطه بودن آنهاست. به مین دلیل زنان کل زندگی شخصی و اجتماعی خود را به نحو متمایزی از مردان تجربه می‌کنند. آنها در بسیاری از مراحل و موقعیت‌های زندگی با احساس هراس از مواجهه با دنیای مردانه که متعلق به آنان نیست و قوانین خود را به آن‌ها دیکته می‌کند مواجه می‌شوند (نقدی و دارابی، ۱۳۹۳: ۲۶۳). این نظریه‌ها به بررسی چگونگی تأثیر فرهنگ و جامعه بر هویت زنان و تجربیات آنان در محیط‌های شهری می‌پردازند. تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی می‌تواند تأثیرات مهمی بر تجربیات زنان در فضاهای شهری داشته باشد. پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند که چگونه تنوع فرهنگی می‌تواند بر تجربه زنان در فضاهای شهری تأثیر بگذارد (Huh, 2017).

نظریه‌های تجربه زندگی روزمره

تا سال‌های ۱۹۷۰ یعنی زمانی که تحقیقات تا حدودی مشکلات زندگی روزمره زنان را در شهرها عیان نمودند، سیاست‌های برنامه ریزی شهری تبعیضی را که بر زنان اعمال می‌شد نادیده می‌گرفت این نگاه تازه در برنامه ریزی و شهرسازی بیشتر از سوی جغرافی دانان و برنامه ریزان شهری ارائه شد. تا این زمان تنها برخی از مسائل زنان شاغل مورد توجه بود؛ پس از مدتی با جمع‌آوری اطلاعات مختلف راجع به زنان و لزوم ساختن گروه‌های مفهومی و نظری برای ایجاد دسته‌بندی‌های اجتماعی و ارائه راه کارهای مختلف، برخی از منافع و تفاوت‌های هر دو جنس با شهر آشکارتر شد. این امر به انتشار متون مختلفی در مورد نقش زنان در برنامه ریزی شهری و منجر شد و باعث شد تا برخورد جدیدی با مقوله «با زنان» و «برای زنان» مفهوم برنامه ریزی سازمان دهی شهری با تکیه بر نیازها و تفاوت‌های هر دو جنس به وجود آید. نظریه‌های تجربه زندگی روزمره به تحلیل چگونگی تجربه زنان در زندگی روزمره شهری و تعاملات آنان با محیط شهری کمک می‌کنند. این نظریه‌ها نشان می‌دهند که چگونه ساختارهای اجتماعی و فضایی می‌توانند تجربیات روزمره زنان را شکل دهند تحقیقات اخیر نیز به بررسی چگونگی تجربه روزمره زنان در محیط‌های شهری پرداخته‌اند (Gardner, 2008).

۴. نظریه‌های روانشناسی محیطی

نظریه‌های ادراک محیطی و احساس امنیت

این نظریه‌ها بر شرایط کالبدی و فیزیکی و به‌طورکلی ویژگی‌های فضا، محیط و مکان توجه دارند و مفاهیمی مانند فضای عمومی و خصوصی و یا طراحی محیطی را مدنظر قرار می‌دهند. در این نظریات، اعتقاد بر این است که بین محل سکونت و احساس ناامنی رابطه وجود دارد و نشانه‌هایی حاکی از انحطاط کالبدی محل سکونت و ضعف نظارت‌های اجتماعی، احساس ناامنی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین نظریات، فضاهای بدون دفاع شهری و فضاهایی که قابلیت بیشتری برای وقوع جرم دارند موجب کاهش امنیت اجتماعی به ویژه امنیت اجتماعی زنان می‌شوند. جان جیکوبز نیز از دیگر نظریه پردازان شهرسازی است در تبیین امنیت شهری، به تعامل فضای فیزیکی و فرایندهای اجتماعی‌ای که محیط را می‌سازند و بر فعال بودن فضا به عنوان عاملی در ایجاد محیطی امن و موفق، توجه و تأکید دارد. جیکوبز می‌گوید آرامش فضای شهری ابتدا به وسیله پلیس تامین نمی‌شود؛ اما با حضور پلیس ضروری می‌شود. آرامش فضای شهری ابتدا به وسیله شبکه ناخودآگاه و پیچیده اجتماعی و استانداردهای موجود میان مردم حفظ می‌شود (Pitner, 2012). در اوایل دهه ۱۹۷۰م، اسکارنیومن به برخی از عوامل فیزیکی موثر بر ایجاد ترس از محیط یا وقوع جرم پرداخت. او بر نظارت فعالانه و تعریف عرصه‌ها تأکید کرد و با ارائه نظریه "فضای قابل دفاع"، عواملی مانند ایجاد قلمرو مناسب، احساس تعلق به مکان، امکان وجود نظارت و بهبود شرایط فیزیکی را از راهکارهای کاهش ترس دانست. نیومن سه عامل افزایش جرم در محله‌های مسکونی را چنین بر شمرد:

۱- بیگانگی: مردم همسایگان‌شان را نمی‌شناسند.

۲- نبود نظارت: مکان‌های وقوع جرم، ارتکاب جرم را بدون آنکه مجرم دیده شود، به راحتی ممکن می‌کنند.

۳- در دسترس بودن راه فرار: امکان گریز مجرم از صحنه جرم را به سرعت ممکن می کنند.

این نظریه‌ها به بررسی چگونگی ادراک زنان از امنیت و راحتی در فضاهای شهری و تأثیر آن بر تجربیاتشان کمک می کنند. ادراکات محیطی می توانند نقش مهمی در تعیین میزان استفاده زنان از فضاهای عمومی و احساس امنیت آنان داشته باشند. پژوهش های جدید تأیید می کنند که طراحی محیط های شهری باید نیازهای امنیتی زنان را در نظر بگیرد (گلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۱).

پیشینه تحقیق

با مروری بر مطالعات انجام گرفته در زمینه تحقیق خلاصه ای از اهداف و نتایج ذیل حاصل شد:

پژوهشگر	سال	اهداف پژوهش	نتیجه
فرحزاد و همکاران	(۱۳۹۹)	سنجش ترجیحات حضوری زنان در عرصه های عمومی شهر تهران	نتایج دست یافته اند که وجود عرصه های عمومی فعالیت تجاری بیشترین میزان تأثیر را به منظور حضور زنان در عرصه های عمومی دارند. پس از آن نیز عرصه های عمومی فعالیت مذهبی ورزشی، تفریحی و فرهنگی قرار دارند و همچنین فضاهای تجاری، تفریحی، ورزشی، فرهنگی و مذهبی به این ترتیب از بیشترین عدالت جنسیتی از منظر حضور برخوردارند
طهری و همکاران	(۱۴۰۰)	ارزیابی کیفیت محیط شهر رشت از دیدگاه برنامه ریزی شهری تنوع گرا	این مطالعه نتیجه گیری می کند که کیفیت محیط شهر از نظر شاخص های ایمنی و امنیت، امکانات و خدمات عمومی، اشتغال، حمل و نقل عمومی، فضاهای بیرونی و ساختمان های عمومی برای نیازهای چهار گروه اجتماعی، پایین تر از سطح متوسط است. همچنین، برای دستیابی به یک محیط شهری تنوع گرا و همه شمول، تغییر از رویکرد یکسان نگری فعلی به رویکرد تنوع گرا و گنجاندن تفاوت ها در فرایندهای سیاست گذاری و برنامه ریزی شهری ضروری است.
گرمیسری نژاد و همکاران	(۱۴۰۰)	ارزیابی کیفیت فضاهای عمومی شهری بر مبنای دیدگاه جنسیتی (مطالعه موردی: شهر جدید عالی شهر)	این مطالعه با بررسی ۱۵ متغیر در چهار شاخص اصلی شامل کالبدی، انعطاف پذیری، تعلق مکانی و امنیت روحی - روانی نشان می دهد که تنها سه متغیر برای بانوان شهر جدید عالی شهر در فضاهای عمومی مناسب بوده و به طور کلی کیفیت فضاهای عمومی این شهر برای آنها مطلوب نیست. همچنین، تفاوت معناداری در رضایت از کیفیت فضاهای عمومی وجود دارد که نشان دهنده رضایت بیشتر مردان است.
علوی	(۱۴۰۰)	برای بررسی تحلیلی دیگر از رفتار زیست محیطی زنان: ورود مفهوم نابرابری جنسیتی	به این نتیجه رسیده است که میانگین رفتار زیست محیطی زنان در حوزه خصوصی در سه سطح اقتصادی شاغل، شاغل تمام وقت و شاغل با قدرت نظارتی، بیشتر از مردان است؛ این نشان می دهد که ساختار فرهنگی و اجتماعی مبتنی بر نابرابری جنسیتی، الگوهای رفتاری در حوزه خصوصی زنان تعریف کرده و به این علت میزان رفتار زیست محیطی زنان نیز با هر پایگاه اقتصادی در این حوزه بیش از مردان است.
جیانگا ۱	(۲۰۱۷)	بررسی تأثیر مداخلات در کوچه ها بر احساس امنیت زنان و مردان:	در یک تحقیق، مداخلات در کوچه ها از منظر زنان و مردان بررسی شد و تفاوت های آنها در درک فضا و احساس امنیت با تأکید بر متغیر امنیت سنجیده شد. نتایج نشان داد که الگوهای منظم امنیت بالاتری نسبت به الگوهای طبیعی دارند. همچنین، مردان در مقایسه با زنان احساس امنیت بیشتری در فضاهای یکسان دارند.
افه گونی و همکاران ۲	(۲۰۲۳)	ارزیابی زیرساخت های اجتماعی در برنامه ریزی شهری دوستدار زنان	نتایج این پژوهش نشان می دهد: ۱- هیچ یک از مناطق مورد بررسی معیارهای زیرساخت اجتماعی شامل کفایت، دسترسی، ایمنی و قابلیت استفاده را برآورده نمی کنند. ۲- نیاز به بهبود زیرساخت های اجتماعی در راستای برنامه ریزی شهری دوستدار زنان وجود دارد.

¹ Jianga

² Efe Güney et al

مملای و ماهاراج ^۱	(۲۰۱۸)	مهاجران، زنان و جنسیت: مطالعه زنان در پارک آلبرت، دوربان، آفریقای جنوبی	نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نیاز به حضور افسران پلیس زن برای رسیدگی به زنان، به‌ویژه کسانی که تجربه خشونت جنسی دارند، احساس می‌شود. همه افسران پلیس باید آموزش‌های لازم را برای حساسیت به جنسیت دریافت کنند. لزوم توقف تبعیض علیه خارجی‌ها در برخوردهای پلیس مطرح شده است.
یاداو و کوماری ^۲	(۲۰۲۱)	زنان و پایداری اجتماعی: ارزیابی پارامتریک بحرانی محیط‌های شهری در کشورهای درحال توسعه	در نتیجه می‌توان گفت: ۱. مسائل جنسیتی در تحقیقات توسعه پایدار نادیده گرفته می‌شوند. ۲. برنامه‌ریزی شهری بدون ترویج جنسیت به تداوم نابرابری منجر می‌شود. ۳. لایه جنسیتی می‌تواند حساسیت جنسیتی را نسبت به زنان افزایش دهد. ۴. مفاهیم طراحی جهانی و CPTED برای ارزیابی شهرهای دوستدار زنان ضروری است. ۵. این رویکرد به ایجاد شهرهای فراگیر و پایدار کمک می‌کند.
برتراند و پرین ^۳	(۲۰۲۲)	آیا قوانین دوستدار زنان به شرکت‌های تحت رهبری زنان کمک می‌کند؟ تأثیر قوانین حامی زنان بر دسترسی به اعتبار"	نتایج این مطالعه نشان می‌دهد: ۱. کاهش دلسردی: حمایت‌های قانونی باعث کاهش دلسردی شرکت‌های تحت رهبری زنان می‌شود. ۲. عدم افزایش اعتبار دریافتی: با وجود کاهش دلسردی، این شرکت‌ها اعتبار بیشتری دریافت نمی‌کنند. ۳. تأثیر در شرکت‌های کوچک‌تر: این تأثیر در میان شرکت‌های کوچک‌تر بیشتر مشهود است. ۴. عدم تأثیر در کشورهای مسلمان: اثر جانبی قوانین ضد تبعیض در کشورهای دارای اکثریت مسلمان ناپدید می‌شود. ۵. اهمیت اجرای قوانین: تلاش‌های اجرایی تأثیر قوانین دوستدار زنان بر محدودیت‌های اعتباری را تقویت کرده و دسترسی زنان به اعتبار را افزایش می‌دهد.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر از نوع کیفی با رویکرد نظری و بنیادی است. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، اسنادی-کتابخانه‌ای (شامل کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها) می‌باشد. در ادامه، تجارب سایر کشورها در زمینه شهرهای دوستدار زنان و عوامل و مؤلفه‌های مرتبط با این موضوع، با استفاده از روش استنباطی از مبانی نظری و تجارب پژوهشی استخراج شده است. این روش تحقیق بر اساس موضوع پژوهش و نیاز به درک عمیق‌تر از دیدگاه‌ها و تجربیات زنان در شهرهای دوستدار زنان طراحی شده است. و در نهایت با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی مورد بررسی و ارائه شده است.

¹Memela and Maharaj
²Yadav and Kumari
³ BertrandPerrin

تجارب کشورهای بین‌المللی: شهر دوستدار زنان

آمریکای لاتین

طی دهه گذشته، برنامه‌ریزی شهری دوستدار زنان در آمریکای لاتین با تأسیس اتوبوس‌ها و وسایل نقلیه ویژه زنان آغاز شده است. در کشورهای مکزیک، برزیل و گواتمالا، مقرر گردید که وسایل حمل‌ونقل عمومی با رنگ صورتی ویژه زنان ایجاد شود تا خشونت علیه زنان کاهش‌یافته و امنیت آن‌ها افزایش یابد. در مارس ۲۰۱۲، در سالوادور طرحی جامع با عنوان "شهر زنان" تهیه شد که هدف آن ایجاد فضایی متمرکز برای ارائه خدماتی نظیر سلامت جنسی و باروری، مراقبت از بچه‌ها و مشاوره به زنان بود. با این حال، انتقادی که می‌توان به این طرح وارد کرد این است که ایجاد شهر دوستدار زنان به معنای تحول کالبدی و فیزیکی در شهر نیست. در شرایطی که فرهنگ مردسالاری در سالوادور حاکم است، مشکلات و تبعیض‌های متعددی مانند تفاوت در سطح میانگین درآمد زنان و مردان، خشونت جنسیتی و قوانین و رسوم فرهنگی که خشونت علیه زنان را تقویت می‌کنند، همچنان وجود دارند. بنابراین تدوین و اجرای برنامه واقعی شهر دوستدار زنان نیازمند اصلاح و تغییر قوانین رسمی و رسومات عرفی این جوامع است.

پروژه شهر دوستدار زنان در سئول

پروژه شهر دوستدار زنان سئول که از سال ۲۰۰۷ آغاز شده، یک استراتژی جامع برای بهبود فضاهای شهری به منظور افزایش برابری جنسیتی و رفاه زنان است. دولت سئول متوجه شده که سیاست‌های فعلی در زمینه‌های آموزش، محیط زیست، سلامت، فرهنگ، حمل و نقل و مسکن مشکلات زیادی برای مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان در فضاهای شهری ایجاد کرده‌اند. به همین دلیل، پروژه شهر دوستدار زنان سئول با هدف ارتقای حقوق و منافع زنان و بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و تجربیات آن‌ها، راه‌حلی را ارائه می‌دهد تا مشکلات و چالش‌های زنان در زندگی روزمره شهری کاهش یابد. هدف اصلی این پروژه تشویق برابری جنسیتی و ایجاد محیط‌های شهری دوستدار زن است (Moon and Ma, 2010: 3-10).

WFC: شهر دوستدار زنان

دولت کره (وزارت برابری جنسیتی و خانواده) پروژه‌ای به نام WFC (Women-Friendly City) را راه‌اندازی کرده است که به دنبال مشارکت برابر زنان و مردان در تصمیم‌گیری‌هاست. این پروژه به تغییر جهت‌گیری و اجرای سیاست‌ها بر اساس رویکرد جریان‌سازی جنسیتی می‌پردازد و پیامدهای متفاوت هر اقدام سیاستی، شامل قوانین و برنامه‌ها، را برای زنان و مردان در تمامی زمینه‌ها و سطوح ارزیابی می‌کند. (Kim and Moon, 2008, Song and Park, 2013) پروژه WFC بر سیاست‌های شهری با آگاهی جنسیتی تمرکز دارد و هدف آن افزایش مشارکت زنان در سیاست‌های شهری و ادغام دیدگاه جنسیتی در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع محلی

است. این پروژه چشم‌انداز «مراقبت از سیاست‌های جامعه به‌منظور بهبود کیفیت زندگی و ایجاد جامعه محلی شاد» را ترویج می‌کند. چهار ارزش اصلی این پروژه شامل برابری، مراقبت، دوستی با محیط‌زیست و ارتباطات است و پنج هدف مشخص را دنبال می‌کند در جدول ۲ زیر مشاهده است.

جدول ۲، اهداف و ارزش‌های پروژه WFC

ارزش‌ها	اهداف
برابری	ایجاد مبنایی برای سیاست برابری جنسیتی
مراقبت	تحقق برابری اقتصادی و اجتماعی
دوستدار محیط‌زیست	ایجاد شهر امن و راحت
ارتباطات	محیط‌زیست دوستدار طبیعت
	فعال‌سازی مشارکت زنان و جامعه

(Huh and Kim, 2017: 66)

– استانبول

در سال ۲۰۰۷ «برنامه مشارکتی حمایت و توسعه حقوق انسانی زنان و دختران» تحت عنوان «شهرهای دوستدار زن» در شش ایالت مختلف در سراسر ترکیه اجرا شد. در این برنامه که تا سال ۲۰۰۹ به پایان رسید، برنامه‌های مختلفی اجرا شد. ایجاد تیمی بحرانی برای زنانی که اقدام به خودکشی کردند، واحدهای سلامتی سیار برای کارگران فصلی،

آموزش برابری جنسیتی به مسئولان و مدیران محلی از جمله برنامه‌های این پروژه بودند. همچنین کمیسیون‌های برابری جنسیتی در مجالس عمومی و انجمن‌های شهرداری

استقرار یافتند. سایر اقدامات مانند ارتقای بودجه جنسیتی، مراکز جدید حمایت از زنان، ایجاد واحدها و هیأت‌های زنان در دولت و شهرداری‌ها نیز انجام شد. علاوه بر این به منظور دوستدار زن شدن شهرها مقرر شد برنامه‌های اجرایی، خدمات شهری را با در نظر گرفتن نیازهای خاص زنان مانند ایجاد مراکز حمایت از زنان، مراکز نگه داری از بچه و مراکز ویژه زنان، ایجاد کنند. در این برنامه امن ساختن شهرها، افزایش تعداد پارک‌ها و بوستان‌ها، امکان دسترسی زنان به خدمات و بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی زنان نیز مورد توجه قرار گرفت. دومین پروژه شهر دوستدار زن ترکیه در ژوئن سال ۲۰۱۱ آغاز شد. هدف نهایی این پروژه عبارت بود از ارتقا و دوستدار زن کردن محیط از طریق ایجاد جریان جنسیتی در فرایند برنامه ریزی محلی و گفتگوی محلی با سازمان‌های زنان، سازمان‌ها و نهادهای دولتی در سطح محلی و ملی (فاضلی، و ضیاحی، ۱۳۹۳: ۶۰).

– پروژه سابالا در شهر کوچی هند

پروژه سابالا که در شهر کوچی هند اجرا می‌شود، از طریق طرح‌ها و برنامه‌های مختلف به دنبال حل مسائل پیش روی زنان و ایجاد یک شهر دوستدار زن است. برخی از اهداف پروژه در جدول ۳، عبارت‌اند از:

شماره	اهداف پروژه سابالا
۱	بسط مراقبت‌های پزشکی برای خانوارهایی که فقط اعضایشان زن هستند. هزینه‌های آموزشی چنین خانواده‌هایی نیز به طور کامل توسط این برنامه‌ها تأمین می‌شود
۲	ایجاد امکانات سکونت جدید برای زنان در شهر به منظور تضمین امنیت زنان مسافری که با اهداف مختلف به این شهر می‌روند. علاوه بر وجود تیم کارکنان زن و محل‌های سکونت، سایر امکانات مانند امکان رزرو آنلاین، تاکسی و سایر خدمات نیز تأمین خواهد شد
۳	اتوبوس‌های ویژه زنان اقدام بدیع دیگری بود که در پروژه طراحی شد. بر اساس این هدف، همه اتوبوس‌ها دارای قسمت زنانه خواهند شد.
۴	به منظور مقابله با سوءاستفاده از کودکان، تیمی متشکل از سه مشاور در هر مدرسه مستقر خواهند شد تا دانش آموزان را از فسادهای جدید مانند جرائم اینترنتی و سوء استفاده از دانش آموزان از طریق تلفن‌های همراه و شبکه‌های اجتماعی راهنمایی و حمایت کنند (Usha, ۲۰۱۳).
۵	پروژه امنیت زنان نیز با کمک دولت مرکزی به منظور تضمین امنیت زنان و بچه‌ها در کرالا آغاز شد. بر اساس برنامه پروژه، هر دولت محلی دارای ۱۰ داوطلب خواهد بود. این داوطلبان ملاقات‌های مکرر از خانه‌هایی خواهند داشت که زنان تنها، بیوه‌ها و افراد مسن زندگی می‌کنند. هدف چنین بررسی این است که میزان رفاه آنان سنجیده شده و اگر این زنان نیاز به کمک پلیس داشتند، برایشان فراهم شود (Jisha, 2014).

ویژگی‌های بارز پروژه:

- بسط مراقبت‌های پزشکی برای خانوارهای زنانه.
- ایجاد امکانات سکونت جدید برای زنان در شهر.
- راه‌اندازی اتوبوس‌های ویژه زنان.
- مقابله با سوءاستفاده از کودکان از طریق استقرار مشاوران در مدارس.
- اجرای پروژه امنیت زنان با کمک دولت مرکزی. (Huh & Kim, 2017)

نمونه‌های بین‌المللی موفق در بهبود محیط‌های شهری برای زنان

-تجارب تورنتو

در پروژه W.L.S.E که درباره طراحی فضاهای شهری برای امنیت زنان در شهر تورنتو و در سال ۱۹۹۱ انجام گرفت از روش برنامه ریزی و طراحی حساس برای ایجاد حس امنیت در زنان استفاده شد. در این برنامه دو راهبرد عمده را برای ایجاد شهر امن تر برای زنان مطرح می‌شود: نخست ایجاد خط‌مشی‌هایی برای ایجاد فضاهای باز امن، دوم آماده کردن مسئولین شهر برای اینکه به گزینه‌ها از دور نگاه کنند. این خط‌مشی‌ها شامل: نوررسانی‌ها، نشانه‌های و شاخص‌های حرکتی، مراقبت‌ها و کنترل‌ها، کاربری‌ها مختلط، مولدان فعالیت، ایجاد احساس مالکیت، اطلاع‌رسانی و کیفیت طراحی می‌شد. در مرحله بعدی این خط‌مشی‌ها در مکان‌های ویژه‌ای که به طور رایجی نا امن قلمداد می‌شدند

¹ Sensitive design and planning

یا جاهایی که مردم احساس ناامنی می‌کردند اعمال شدند. مانند مکان‌های وابسته به حمل و نقل، واحدهای همسایگی مسکونی، مراکز شهر و مکان‌های خصوصی‌تر نظیر: آسانسورها، توالتهای عمومی، پل‌های عابر پیاده. حالا این خط‌مشی‌ها در سطح کل استرالیا و از طریق یک تحلیل جامع از سیاست‌های CPTED (پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی) در سطح محلی استفاده می‌شود. خط‌مشی‌های اخیر برای فضاهای آسیب‌پذیر برنامه‌ریزی تعریف شده‌اند و این فضاها، فضاهایی هستند که درک عمومی هم از آنها است و ممکن است در آنها رفتارهای آزار دهنده رخ بدهند. بنابراین دیگر روندها و راه‌حل‌های مطرح شده به خط‌مشی‌های CPTED توسط مسئولین برنامه‌ریزی محلی ترویج "اقتصاد شبانه" باز تولید کردن مسکن در مراکز شهری، افزایش دادن شرکت زنان در برنامه‌ریزی و طراحی، ارتقا دادن "دهکده‌های شهری" و ایجاد پردیس‌های امن زنان می‌باشد

-تجارب لندن

کنفرانسی تحت عنوان ساختن مکان‌های امن‌تر و امنیت زنان در شهرها در نوامبر سال ۲۰۰۵ و در لند برگزار شد، در این کنفرانس از متخصصین و رشته‌های مختلف مرتبط با کنفرانس دعوت به عمل آمد بود که برخی از سخنان و مطالب طرح شده در این کنفرانس را نقل و بررسی می‌کنیم:

ورا برد مسئله ساخت محیط امن برای زنان را باعث توانمند شدن زنان محیطی می‌دانست، و اینکه با دخالت‌دادن آنها در تحلیل و برآوردهای ساخت محیط محلی، می‌توانند در بیرون‌راندن خطرات از محیطشان نقش حقیقی و فعال داشته باشند و چه کسی بهتر از زنان که در آن محیط زندگی می‌کنند می‌تواند این مسئله را بهتر درک کند. همچنین به این نکته اشاره می‌شود که در گروه‌های مختلف معمولاً سطح تصمیم‌گیری زنان خیلی پایین است و ما باید زنان را برای تصمیم‌گیری در ساختن محیطی که ترس از جنایت را کاهش می‌دهد دخالت بدهیم...آنی مارگوران^۲ که مشاور سیاسی شهردار لندن بود، به شهردار لندن توصیه کرد که شهر امنی برای زنان ایجاد کند؛ مثلاً برای حمل‌ونقل و ایمن سازمان‌های ویژه‌ای را در نظر بگیرد که تحت کنترل پلیس باشند. از نظر الیزابت جانستون برای داشتن استراتژی موفق بلندمدت و بهبود احساس امنیت زنان، نیاز به آموزش مردم هم هست؛ زیرا مردم (از جمله زنان) ممکن است اجازه استفاده راحت به زنان، از فضاهای عمومی را ندهند. راهکارهایی نظیر انتشار راهنماهایی برای ایجاد احترام در بین زنان و مردانی که در میسر مدارس و مجتمع‌های مسکونی توزیع شده‌اند و البته این آموزش برای برخی از رهبران اجتماعی نیز صورت بگیرد. با اجرای این طرح و بررسی تأثیرات فرانسه بر رفتار مردان مشخص شد که سرعت و شتاب حرکت زن‌ها بسیار آهسته‌تر از مواقعی بود که زنان احساس تحت فشار بودند را داشتند و روشن است که مردان نباید موجب این بی‌عدالتی در برابر زنان شوند.

¹ Bord

² margoran

تجارب موفق زنان در تایوان

در سال ۲۰۰۸ حکومت محلی و شهرداری تایپه، به منظور جمایت از حقوق کلی و عمومی زنان برای تمام سنین اقداماتی را انجام داد. ایجاد موقعیت‌های اجتماعی در سطحی وسیع مانند ایجاد فضاهای عمومی امن، ایجاد شغل، آموزش و مهارت، سلامتی و بهداشت و نهایتاً مشارکت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از جمله این اقدامات و فعالیت‌ها بودند. بخشی از برنامه‌ها و ابتکارات شهرداری تایپه عبارتند بودند از:

- استخدام مساوی در حکومت محلی و در سطح مدیریتی؛
- تأمین تسهیلات نگهداری روزانه از کودکان،
- آموزش و ایجاد مهارت‌های لازم به زنان در طول روز؛
- دادن پست‌های مدیریت شهری به زنان؛
- دادن حق تقدم به زنان برای ترقی در این شغل‌ها با داشتن توانایی‌های مساوی با مردان در آن شغل
- شکستن فضای انحصاری مختص مردان در شهرداری؛

تجارب بین‌المللی در ارتقاء امنیت زنان

طرح شهرهای امن انگلستان

دولت انگلستان برنامه "شهرهای امن‌تر" را از سال ۱۹۸۸ در دستور کار خود قرار داد. هدف اصلی این طرح کاهش جرایم، ناامنی و خشونت در شهرها بود که لازمه دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی بود. در چارچوب این طرح تعداد زیادی پروژه در شهرهای مختلف انگلستان به اجرا درآمد. براساس نتایج تحقیقات زنان خیلی بیشتر و گاهی دو برابر مردان در معرض جرم و آسیب قرار دارند و به همین دلیل بیشتر زنان مایل به خارج شدن از خانه بعد تاریکی هوا نیستند. بنابراین ایجاد امنیت بیشتر در شهرها در درجه اول نیازمند فراهم کردن امنیت برای زنان است این پروژه‌ها مبتنی بر ارکان جدول زیر بود که شامل:

زنان و حمل و نقل عمومی	عموماً زنان بیش از مردان متکی به وسایل حمل و نقل عمومی و پیاده روی هستند.
زنان و حمل و نقل عمومی امن تر	راهبرد دیگر برای افزایش امنیت در شهر، بهبود نظام حمل و نقل عمومی برای آسایش و رفاه بیشتر زنان در سفرهای شهری بود
پارکینگ اتومبیل	زنانی که با خودرو شخصی رانندگی می کنند، در صورت خرابی اتومبیل یا بروز تصادف، در مکان های خلوت با خطر و ناامنی مواجه می شدند.
-طراحی شرکت ها و مجتمع های مسکونی	بر اساس بررسی های انجام شده، شیوه ساماندهی و طراحی کالبدی شرکت ها مسکونی نقش مؤثری در افزایش امنیت و کاهش آسیب های اجتماعی داشتند.
راهنماهای طراحی:	در شهرهای مختلف انگلیستان به کمک نهادهای مسئول شهری، راهنماهایی برای طراحی و ساماندهی فضاها و تسهیلات شهری تدوین شد که هدفشان کمک به رفاه و امنیت شهری به ویژه برای زنان بود. از جمله این راهنماها، راهنمای مربوط به روشنایی، مقاوم سازی ساختمان ها، فضای باز، پارکینگ ها، ساختمان تجاری، مراکز شهری، پیاده روها، و.... بودند.
-ضوابط منطقه بندی:	یکی از موضوعات اصلی شهرسازی منطقه بندی یا تعیین مقررات استفاده از زمین است. رویکرد جداکردن کاربرها مانند محل های مسکونی و کار، یکی از عوامل موثر بر خلوتی و ناامنی خیابان ها شناخته شد. به همین دلیل ایجاد تنوع در فعالیت ها و کاربری های مختلط علاوه بر اینکه سبب سرزندگی و جاذبه فضاها شهری می شد، می توانست به امنیت فضاها و جلب زنان و سایر گروه های آسیب پذیر کمک کند

تجربه دارالسلام

در پی افزایش جرم در دارالسلام و اینکه امنیت زنان در فضاها شهری بسیار کاهش یافته بود، برنامه هایی در جهت ارتقای امنیت آنان تهیه شد. پس از بررسی ها، اعلام شد که یکی از عوامل اصلی این مسئله شهرنشینی سریع به همراه تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. برای جلوگیری پس از بررسی علل وقوع جرم، رویکردهای مشارکتی و فراگیر در قالب سه راهبرد عمده مدنظر قرار گرفت:

۱- تغییر محیط فیزیکی که پتانسیل جرم دارد.

۲- تغییر شرایط اجتماعی که جرم را تقویت می کند

۳- مقولات سیاسی و سازمانی

مداخلات فیزیکی برنامه ارتقای امنیت زنان، شامل طراحی شهری امن تر در فضاها عمومی و سیستم های حمل و نقل عمومی، تمرکز بر عناصر آگاهی از محیط (نور، نشانه ها، سخت افزارهایی مثل اتصالات و پل ها) عناصر مربوط به افزایش قابلیت دیده شدن و مراقبت ها غیررسمی با کمک مولدان فعالیت (مغازه ها، ورزشگاه ها و غیره)، و ایجاد احساس مالکیت و افزایش دستیابی به کمک نشانه ها و اطلاعات و ارائه خدمات اورژانسی است (Faradilla et al, 2021: 105).

تجربه امنیت مرکز شهر کاونتر

کاونتری یکی از شهرهای انگلستان است که در خلال جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵) به شدت بمباران شد و آسیب‌های زیادی را تجربه کرد. این خرابی‌ها، به رغم مشکلات، فرصتی برای بازسازی مرکز شهر فراهم آورد. بازسازی این منطقه بر اساس ایده‌های مدرنیستی و مبتنی بر منطقه‌بندی عملکردی و جداسازی شدید سواره و پیاده صورت گرفت. کاونتری به سرعت در طرح بازسازی بر دیگر شهرها پیشی گرفت. اگرچه در این دوره از بهترین اندیشه‌ها و طرح‌ها در برنامه‌ریزی شهری و معماری استفاده شد، اما شهر با چالش‌هایی مواجه گردید. سطوح مرکز شهر به طور کامل تک‌عملکردی و غالباً خرده‌فروشی شده بود و طبقات بالایی که برای کاربری اداری طراحی شده بودند، عمدتاً خالی ماندند. دلیل این موضوع این بود که مرکز شهر جمعیت بسیار کمتری نسبت به بخش‌های اداری داشت و همچنین واحدهای خرده‌فروشی در طبقات بالاتر هرگز موفق به جلب مشتری نشدند. با توجه به جذابیت کم مرکز شهر، خرده‌فروشی‌ها در سطوح خرید نیز پس از ساعت ۶ بعد از ظهر بسته می‌شدند و این امر به نیمه‌تعطیلی مرکز شهر منجر گردید در حدود دهه ۱۹۸۰، کاونتری توجه عمومی را به خود جلب کرد، چرا که با مشکلات متعدد ناامنی در سطح شهر مواجه بود. به همین دلیل، این شهر یکی از اولین شهرهای انگلیسی بود که دوربین‌های مدار بسته در آن نصب شد. در مرحله بعد، پروژه "مرکز شهر امن‌تر" در شورای شهر کاونتری طرح‌ریزی شد که در آن سیاست نظارت طبیعی و استفاده از دوربین‌های مدار بسته به عنوان اصلی‌ترین راهکارها از سوی مسئولین شهر انتخاب شد. این رویکرد باعث شد که شهرهای دیگری نظیر گلاسکو نیز از کاونتری به عنوان الگوی خود بهره‌برداری کنند.

تجربه کشورهای توسعه‌یافته

باتوجه به ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت کشورهای توسعه‌یافته نسبت به کشورهای در حال توسعه، انتظار می‌رود که کیفیت فعالیت سازمان‌ها و ماهیت عملکردی آن‌ها نیز در این دو ساختار با یکدیگر متفاوت باشد. نمی‌توان انتظار داشت که نیازهای زنان در کشورهای در حال توسعه مانند هند یا اندونزی مشابه هم‌تایان اروپایی یا آمریکایی آنها باشد. تردیدی وجود ندارد که به واسطه همین تفاوت‌ها در ساختارها و نیازها، نقش‌های اجتماعی و اقتصادی زنان نیز با یکدیگر متفاوت است؛ بنابراین، به منظور شناسایی تفاوت و تجربه مؤسسات اقتصادی زنان در آمریکا و ژاپن به عنوان کشورهای توسعه‌یافته اشاره می‌شود.

سازمان WORC^۱ آمریکا

WORC سازمانی مستقل و غیرانتفاعی است که فعالیت‌های خود را در پنسیلوانیا (فیلادلفیا) از دسامبر ۱۹۹۳ رسماً آغاز کرده است. کارمندان این سازمان را زنانی تشکیل می‌دهند که عضو آن بوده و با گذراندن دوره‌های تخصصی در خدمت اهداف سازمان فعالیت می‌کنند. هدف اولیه Women's Opportunities Resource Center ارتقای موقعیت اجتماعی و اقتصادی زنان و خانواده‌هایشان بود و خدمات آن عمدتاً در جهت کمک به افراد کم‌درآمد و

^۱ Women's Opportunities Resource Center

اعضای آن قرار داشت. ۶۵ درصد از مشتریان این سازمان را زنان و ۳۵ درصد باقی مانده را مردان تشکیل می دهند. بنابراین اهداف مهم موسسان اقتصادی را میتوان به شرح زیر برشمرد:

جدول ۵، اهداف مهم موسسان اقتصادی و ویژگی های بارز WORC

شماره	اهداف مهم موسسان اقتصادی
۱	توانمند ساختن زنان عضو از طریق ارائه آموزش های فنی و علمی مفید برای انجام امور روزمره زندگی
۲	تمرکز روی برنامه ها و استراتژی های توسعه اقتصادی
۳	فراهم ساختن شرایط و امکانات برای تجلی ظرفیت ها و شکوفایی استعداد های فردی زنان عضو
۴	تشویق و حمایت از فعالیتهایی که برای زنان انجام می پذیرد و با اهداف انسان دوستانه سازگاری دارد
۵	تلاش برای ایفای نقش مستمر به عنوان مرجع راهنمایی و هدایت مردم در سطح محلی و ملی
شماره	ویژگی های بارز WORC
۱	برنامه های آموزشی فراوان و متنوع در زمینه های تجارت، بازرگانی، خوداشتغالی و کسب مهارت ها و فنون تجاری و اقتصادی
۲	برنامه های ویژه دیگری در زمینه آموزش کارکنان مؤسسه

تجربه جهانی ژاپن

این سازمان در نوامبر ۱۹۹۰ با هدف حمایت از استقلال اقتصادی زنان توسط مدیران "بانک شهروند" تأسیس شده است و اکنون به عنوان سی و نهمین عضو بانک جهانی زنان شناخته می شود. با توجه به تمرکز بانک جهانی زنان ژاپن بر امور اقتصادی، بیشتر برنامه های آموزشی آن برای زنان کارآفرین طراحی و اجرا می شود. این برنامه ها نه تنها به رفع نیازهای تجاری و مالی زنان کمک می کند، بلکه آموزش های تجاری پیشرفته ای نیز به آنها ارائه می دهد. (رحمتی و سزاوار ۱۳۸۱: ۱۴۹-۵۰).

تجربیات ایران

در ایران تاکنون پروژه یا برنامه ای با عنوان دقیق "شهر دوستدار زنان" اجرا نشده است. با این حال، برنامه ها و طرح های مختلفی با اهدافی مانند جلب مشارکت زنان، توانمندسازی زنان آسیب پذیر و بهبود و تسهیل زندگی شهری زنان اجرا شده اند. این برنامه ها تلاش کرده اند تا با ارتقای سطح زندگی و ایجاد فرصت های جدید، به نیازهای زنان در جامعه پاسخ دهند

- تجربیات ایران در زمینه توانمندسازی زنان

برنامه های عمومی اداره کل امور بانوان شهرداری تهران در تمامی محلات در سال های اخیر شهرداری تهران به منظور توانمندسازی زنان به اجرای برنامه های متعددی پرداخته است. در این راستای یکی از اقدامات تشکیل خانه های تسنیم (مخفف توانمندسازی بانوان) است. تعدادی از برنامه های اداره کل بانوان در سال ۱۳۹۱ در جدول زیر عبارتند از:

عناوین ریز برنامه‌ها	اهداف
طرح مدیریت اوقات فراغت	غنی‌سازی اوقات فراغت بانوان و توسعه مهارت‌های مدیریت و برنامه‌ریزی تفریحات سال بانوان
طرح ظرفیت‌سازی اجتماعی بانوان	گسترش همیاری اجتماعی در بین بانوان و افزایش تعلق اجتماعی بانوان نسبت به محله
جشنواره تسنیم	ظرفیت‌سازی اجتماعی و گسترش خدمات فرهنگی - اجتماعی برای رشد و خودشکوفایی کانون‌های نهادی اجتماعی بانوان
ایجاد بانک اطلاعات	ایجاد شبکه بانوان در راستای اهداف اداره کل امور بانوان
پنجمین دوره جشنواره بهترین‌ها از دورریختنی‌ها	نهادینه‌سازی فرهنگ صرفه‌جویی در تمامی ابعاد زندگی توسعه و ترویج درست مصرف کردن و تغییر الگوهای رفتاری بانوان در مصرف
طرح سبک زندگی اسلامی ایرانی	توسعه و ترویج فرهنگ عفاف و حجاب، صرفه‌جویی تغذیه و رفتارهای خانوادگی در بین جوانان و زنان
طرح شکوفایی عشق (مرحله حین ازدواج - ویژه زوج‌های جوان)	بسترسازی و معرفی الگو در زمینه‌های ازدواج صحیح جهت ایجاد و تقویت خانواده سالم و با کرامت، افزایش دانش و ارتقای نگرش‌ها و گرایش در روابط خانوادگی، اشاعه راه کارها و روش‌های تحکیم بنیان خانواده‌های نوین، برگذاشت روز ملی خانواده

(UN Women. 2013). (امانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۲).

مهم‌ترین عوامل و مؤلفه‌های شهر دوستدار زنان بر اساس تجارب پژوهش، باتوجه به شرایط و بسترهای اجتماعی - فرهنگی جامعه ایران عبارت‌اند از:

مهم‌ترین عوامل و مؤلفه‌های شهر دوستدار زنان	
امنیت	۱- بهبود وضعیت روشنایی‌ها و نورپردازی معابر و فضاهای شهری؛ ۲- رعایت تنوع کاربری در طراحی و ساخت فضاهای شهری؛ ۳- نظارت در مکانهای خلوت و پارک‌ها؛ ۴- رعایت تنوع کاربری در طراحی و ساخت فضاهای شهری؛ ۵- آموزش فرهنگی مبتنی بر منع خشونت علیه زنان؛ ۶- نظارت و نظم‌دهی به نظام حمل و نقل عمومی به منظور رفت و آمد منظم این وسایل؛ ۷- برقراری امکان دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی در همه مناطق به ویژه مکاهای خلوت و دور از مرکز شهر در ساعات گوناگون شبانه‌روز
مشارکتی	۱- تلاش و زمینه‌سازی برای افزایش مشارکت اجتماعی زنان در ابعاد مختلف زندگی شهری؛ ۲- تلاش برای انعکاس دیدگاه‌ها، چشم‌اندازها، و نیازهای اقشار مختلف زنان، از طریق مدیران مرد یا زن؛ ۳- استفاده از توانایی‌ها و مهارت‌های زنان در اجرای برنامه‌های مختلف شهری؛ ۴- نیازسنجی و نظرسنجی از اقشار زنان درباره محتوا و نحوه اجرای برنامه‌های مختلف عمرانی، فرهنگی، و اجتماعی شهرداری، رسیدگی به این دیدگاه‌ها و پیشنهادات و تعدیل آنها از منظر کارشناسانه؛ ۵- ایجاد اعتماد به نفس در زنان خاندان و کمسود از طریق زمینه‌سازی برای جلب حضور و مشارکت آنها در طرح‌های مختلف شهری؛ ۶- افزایش تعداد زنان در سمت‌های مدیریتی شهری؛ ۷- افزایش تعداد مشاوران زن برای مدیران مرد
عدالت فضایی	۱- دسترسی به امکانات فراغتی، تفریحی، آموزشی و غیره در همه مناطق و محلات؛ ۲- انجام دادن اقدامات زیباسازی شهری به صورت یکسان در همه مناطق؛ ۳- رسیدگی به وضعیت عناصر کالبدی و ترمیم و اصلاح آنها در همه مناطق؛ ۴- دسترسی همه مناطق به همه وسایل حمل و نقل عمومی
فراغتی	۱- اختصاص دادن فضایی به ورزش بانوان در پارک‌های عمومی؛ ۲- ایجاد فضایی برای دوچرخه‌سواری بانوان در مناطق گوناگون شهر؛ ۳- ایجاد امکانات فراغتی فرهنگی (کتابخانه متناسب با همه سنین، جلسات، کارگاه‌های گفت و گو و هم اندیشی؛ ۴- ایجاد محلی برای نگهداری از کودکان در باشگاه‌های ورزشی و استخرها به منظور امکان استفاده مادران از این امکانات یا ایجاد مکان‌های آموزشی ویژه کودکان به صورت هم زمان با دوره‌ها و کلاس‌های فرهنگی، اجتماعی، آموزشی شهرداری به منظور امکان استفاده مادران از این برنامه‌ها
دسترسی	۱- امکان انتخاب در دسترسی به مکان از طریق انواع راه‌های جایگزین؛ ۲- مکان دسترسی، تداوم حرکت و حضور گروه‌های مختلف سنی و اجتماعی؛ ۳- امکان دسترسی آسان از مکانی به مکان دیگر در داخل فضا و همچنین امکان دسترسی‌های عمومی (اتوبوس تاکسی و مترو و ...) برای رسیدن به فضاهای عمومی؛
هویت	۱- حفظ و تقویت شاخص‌های کالبدی که یادآور خاطرات جمعی است؛ ۲- طراحی محیط منطبق با ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و کالبدی محیط؛ ۳- ایجاد امکانات فراغتی فرهنگی (کتابخانه متناسب با همه سنین، جلسات، کارگاه‌های گفت و گو و هم اندیشی؛ ۴- چهارچوب فضاهای عمومی باید معماری و منظری بسازد که تجلیل گر تاریخ محلی و بوم باشد؛

(فاضلی و ضیاجی، ۱۳۹۳: ۶۴ و شجاعی، و پرتوی، ۱۳۹۴: ۹۸-۹۶).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی دیدگاه‌ها و تجربیات زنان در شهرهای دوستدار زنان می‌پردازد و نشان می‌دهد که مطلوبیت فضاهای شهری به عوامل متعددی از جمله امنیت، دسترسی، تنوع کاربری‌ها و جذابیت فضا بستگی دارد. باتوجه به اهمیت فمینیسم به عنوان یک مکتب فکری و عملی در دفاع از حقوق زنان، پروژه‌های شهر دوستدار زنان در راستای ایجاد فضایی ایمن و حمایتی برای این قشر، اهمیت ویژه‌ای دارند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ایجاد و توسعه شهرهای دوستدار زنان می‌تواند تأثیرات مثبتی بر کیفیت زندگی و رفاه زنان داشته باشد. اقداماتی مانند بهبود حمل و نقل عمومی، طراحی فضاهای عمومی امن و ارائه خدمات ویژه برای زنان، نه تنها به افزایش مشارکت اجتماعی کمک می‌کند بلکه می‌تواند به کاهش خشونت علیه آن‌ها نیز منجر شود. همچنین، تجربیات موفق بین‌المللی در این زمینه می‌تواند به عنوان الگویی برای سیاست‌گذاران شهری در ایران، به ویژه در شهرهایی مانند اردبیل، مورد استفاده قرار گیرد. توجه به نیازها و تجربیات زنان در برنامه‌ریزی شهری می‌تواند به ایجاد شهرهایی عادلانه‌تر و مناسب‌تر برای تمام ساکنان منجر شود. باتوجه به نظریه‌های فمینیستی مختلف، از جمله فمینیسم لیبرال و سوسیالیستی، می‌توان نتیجه گرفت که توجه به برابری جنسیتی و عدالت اجتماعی می‌تواند به بهبود وضعیت زنان در فضاهای شهری کمک کند. این پژوهش همچنین تأکید دارد که برای دستیابی به توسعه پایدار، لازم است نیازهای زنان در فرایندهای برنامه‌ریزی شهری مدنظر قرار گیرد. در نهایت، تأکید بر این نکته ضروری است که شهرها با بهره‌گیری از تجربیات موفق بین‌المللی و مشارکت فعال زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری، به طراحی و ایجاد محیط‌های شهری دوستدار زنان بپردازند. این رویکرد می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی، افزایش احساس امنیت و ارتقای سلامت روانی زنان کمک کند و در نهایت به توسعه اجتماعی و اقتصادی پایدار منجر شود.

پیشنهادهای

۱. طراحی سیاست‌های مشارکتی: پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران شهری در فرایندهای تصمیم‌گیری، مشارکت فعال زنان را در نظر بگیرند. این اقدام می‌تواند به ارتقای احساس مالکیت و مسئولیت اجتماعی در میان زنان منجر شود.
۲. ایجاد فضاهای امن: ضرورت ایجاد فضاهای عمومی امن و قابل‌دسترس برای زنان و خانواده‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پیشنهاد می‌شود که فضاهایی طراحی شود که احساس امنیت را افزایش دهد.
۳. آموزش و آگاهی‌سازی: برنامه‌های آموزشی برای افزایش آگاهی عمومی درباره حقوق زنان و ضرورت ایجاد شهرهای دوستدار زنان باید توسعه یابد.
۴. استفاده از تجربیات جهانی: توصیه می‌شود که شهرها با بهره‌گیری از تجربیات موفق بین‌المللی، به طراحی و ایجاد محیط‌های شهری دوستدار زنان بپردازند.
۵. تحقیقات مستمر: انجام پژوهش‌های بیشتر در زمینه تأثیرات طولانی مدت این اقدامات بر زندگی زنان و جمع‌آوری داده‌های بیشتر می‌تواند به سیاست‌گذاری‌های مؤثرتر و دقیق‌تر کمک کند.

منابع

۱. احمدی، قاسم. (۱۳۹۱). ارزیابی انتقادی فمینیسم از منظر اخلاقی، پژوهش نامه اخلاق، (۳۳)، ۹؛ ۱۳۶-۱۱۵.
۲. امانی، مجتبی، خزایی، مصطفی، & داورپناه، مسعود. (۱۳۹۸). تحلیلی بر "شهر دوستدار زن" در ایران. جغرافیا و روابط انسانی. 62-50, 1(4),
۳. امین‌زاده، بهرام، & روشن، مینا. (۱۳۹۳). ارزیابی روش های سنجش عدالت فضایی در توزیع کاربری اراضی شهری، نمونه موردی: شهر قزوین. معماری و شهرسازی آرمان شهر. 243-258, 7(13),
۴. رحمتی، محمد مهدی & سزاوار، محمد. (۱۳۸۱). ارائه خدمات مالی به زنان: مروری بر تجربیات جهانی. زن در توسعه و سیاست. - 1(3),
۵. سلطانی، لیلا، زنگی آبادی، علی، و نسترن، مهین. (۱۳۹۰). برنامه ریزی شهری در جهت ارتقای هویت ایرانی اسلامی زنان با تأکید بر نقش محله های شهری. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱(۴)، ۲۹-۳۶. SID. <https://sid.ir/paper/177396/fa>
۶. شجاعی، دلارام، & پرتوی، پروین. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس های مختلف شهر تهران (نمونه موردی: فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران). باغ نظر. 93-108, 12(34),
۷. طهری، فضیلت، نسترن، مهین، اجلالی، حسین پرویز. (۱۴۰۰). ارزیابی کیفیت محیط شهر رشت از دیدگاه برنامه ریزی شهری تنوع گرا (با تأکید بر چهار گروه اجتماعی زنان، توان خواهان، سالمندان و کودکان). پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری، ۹(۳)، ۸۰۱-۸۳۳. doi: 10. 2059/jurbangeo.2021.318494.1456
۸. علوی، لیلا. (۱۴۰۰). تحلیلی دیگر از رفتار زیست محیطی زنان: ورود مفهوم نابرابری جنسیتی. جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، ۱۰(۲)، ۹۱-۱۱۰. SID. <https://sid.ir/paper/1051649/fa>
۹. غیاثوند، احمد. (۱۳۹۴). دنیای زنان در پرتو فضاهای جنسیتی شهری مدرن. توسعه محلی (روستائی-شهری)، ۷(۲)، ۳۲۲-۲۹۹. doi: 10. 2059/jrd.2015.60565
۱۰. فاضلی، نعمت الله. ضیاچی، محدثه. (۱۳۹۳). "شهر دوستدار زن معیارهای شهر دوستدار زن از نظر زنان متعلق به و تیپ های مختلف اجتماعی تهران." جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۵ (۳): ۵۹-۹۳.
۱۱. فرحزاد، مریم، رفیعیان، مجتبی، کامیابی، سعید، ارغان، عباس. (۱۳۹۹). سنجش ترجیحات حضوری زنان در عرصه های عمومی شهر تهران. آمایش محیط، ۱۳(۵۱)، ۴۲-۲۳.
۱۲. قاسمی، فروزان. (۱۳۹۸). بررسی رویکردهای مشارکت و اشتغال زنان بر تکیه بر اقتصاد بومی در جوامع روستایی ایران. جغرافیا و روابط انسانی. 562-541, 1(4),

۱۳. گرمسیری نژاد، سروش، خرم بخت، احمدعلی، موغلی، مرضیه. (۱۴۰۰). ارزیابی کیفیت فضاهای عمومی شهری بر مبنای دیدگاه جنسیتی (مطالعه موردی: شهر جدید عالی شهر). مطالعات جامعه‌شناسی، ۱۴(۵۳)، ۱۲۹-۱۴۳. doi: 10. 0495/jss.2021.1935157.1359
۱۴. گروسی، سعیده، و شمس‌الدینی مطلق، محمدحسن. (۱۳۹۲). ادراک عدالت اجتماعی بر حسب میزان دسترسی شهروندان به خدمات شهری (موردشناسی: شهر کرمان). مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)، ۳(۹)، ۶۱-۶۶. SID. <https://sid.ir/paper/210344/fa>
۱۵. گلی، علی، قاسم‌زاده، بهنام، فتح بقالی، عاطفه، & رمضان مقدم و اجاری، یاسمن. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر در احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهری (مطالعه ی موردی: پارک ائل گلی تبریز). مطالعات راهبردی زنان، 18(69), 97-136.
۱۶. لینچ، کوین. سیمای شهر. ترجمه: دکتر منوچهر مزیتی، انتشارات تهران، ۱۳۹۵.
۱۷. مولایی، محمدمهدی، لطفی، آرزو. (۱۳۹۸). نقش زنان در شکل‌گیری فضاهای شهری. روان‌شناسی فرهنگی زن (زن و فرهنگ سابق)، ۱۱(۴۲)، ۷۵-۸۳.
۱۸. نادری، سارا. (۱۳۹۲). درآمدی بر روایت زنانه از شهر: کاوشی نظری در خوانش تجربه‌های زنانه از شهر، تهران: انتشارات تپسا.
۱۹. نقدی، اسدالله، دارابی، سارا. (۱۳۹۳). دسترسی زنان به فضاهای شهری (مطالعه موردی: زنان شهر ایلام). زن در فرهنگ و هنر، ۴۷۰-۴۶۱، ۶(۴)، ۶۱۰-۶۱۱. doi: 10.22059/jwica.2014.5602

20. Abada, N. (2013). Understanding women-friendly cities: distilling elements from United Nations designated cities.
21. ABBASZADEH, MOZAFFAR. 2023. "Evaluation of the Effective Components of the Presence of Women in Urban Spaces: The Case Study a Historical Bazaar of Urmia." Geographical Urban Planning Research (GUPR) 10 (4): 23–40 https://jurbangeo.ut.ac.ir/article_90888.html%0Ahttps://jurbangeo.ut.ac.ir/article_90888_d56a7ee33ebd05dfafae82f72.pdf.
22. Behnam Morshidi, H., Quaid Rahmati, S., Ruknuddin Eftekhari, A. R., & Meshkini, A. (2021). The right to the city and the model of participatory planning (an analysis of the social production of urban spaces with an emphasis on large commercial complexes in Tehran). Journal of Geography and Development, 66(20), 1-34. doi: 10.22111/j10.22111.2022.6690.
23. Castillo-Montoya, Milagros. (2016). Preparing for interview research: The interview protocol refinement framework. The Qualitative Report, 21(5), 811-831.
24. Cheliotis, K. (2020). An Agent-Based Model of Public Space Use. Computers, Environment and Urban Systems, 81, 101476.
25. Efe Güney, Mercan, Beste Tuncay, Sıdal Tanrıverdi, Nurseli Şanlı, Hacer Akbudak, and Filiz Ay. 2022. "The Assessment of the Criteria of Social Infrastructure within the Scope of Women-Friendly City Planning Approach: The Example of Çiğli." Iconarp International J. of Architecture and Planning 10 (2): 800–843. <https://doi.org/10.15320/iconarp.2022.225>.
26. Fadlia, F., Ramadani, I., & Zalikha, S. N. (2021). Women Friendly Mosque in Banda Aceh: A Study of the Concept of Gender Justice and Gender Planning Perspective. Sawwa: Jurnal Studi Gender, 16(1), 101–120. <https://doi.org/10.21580/sa.v16i1.6330>.

27. Garcia-Ramon, M. D., Ortiz, A., & Prats, M. (2004). Urban planning, gender and the use of public space in a peripheral neighbourhood of Barcelona. *Cities*, 21(3), 215–223.
28. Gardner, C. B. (2008). *Women and Public Space: Sexual Harassment and Gender Discrimination*. University of California Press.
29. Hillier, J. (2012). *Shadow of power*; translated by Pouladi Kamal. Iran engineers society press, Tehran.
<https://doi.org/10.52372/kjps32203>
30. Huh, T., & Kim, Y. (2017). Delivering development to gender-conscious communities in s. Korea: What factors matter? *Korean Journal of Policy Studies*, 32(2), 63–83.
31. Jianga, B. Makb, C. Larsenc, L. Zhongd ,H. (2017). Minimizing the gender difference in perceived safety :Comparing the effects of urban back alley interventions, *Journal of Environmental Psychology*, Volume51: 117–131.
32. Kalms, N; May Johnson, G & Matthewson, G (2020). What does the ‘new normal’ look like for women’s safety in cities? *The Conversqtion Academic rigour, journalistic flair*, July 15.
- Whitzman, C. (2013). *Building Inclusive Cities: Women's Safety and the Right to the City*. Routledge.
33. Kauser, Z. (2017). Islamic feminism. *Islamic Perspective*, Vol. 18: 65-84.
34. Ketchum, Alexandra Diva. (2022). “‘Say “Hi” from Gaia’: Women’s Travel Guides and Lesbian Feminist Community Formation in the Pre-Internet Era (1975-1992).” *Feminist Media Studies* 22 (3): 502–18.
<https://doi.org/10.1080/14680777.2019.1665569>.
35. Kim YH. and Moon, YK. (2008). *The Establishment of Policy Paradigm Towards Multi-National/Cultural Society*. Seoul: KWDI(Korean Women’s Development Institute).
36. Memela, S. and Maharaj, B. (2018) Refugees, violence and gender: the case of women in the Albert Park area in Durban, South Africa. 29(4): 429-443. Retrieved from Available on <https://doi.org/10.1007/s12132-018-9356-1>.
37. Molina-Torres, R., Nolasco-Jáuregui, O., Rodriguez-Torres, E. E., Itzá-Ortiz, B. A., & Quezada-Téllez, (2021). A comparative analysis of urban development, economi level, and COVID-19 cases in Mexico City, *Journal of Urban Management*, 265-274.
38. Moon, YK. and Ma, YH. (2010). *The Manual of Women-Friendly City*, Seoul: KWDI (Korean Women’s Development Institute).
39. Pitner, R. O. and Man Soo, Y. and Brown, E. (2012) “Making Neighborhoods Safer:Examining Predictors of Residents’ Concerns About Neighborhood Safety.” *Environmental Psychology*, 32: 43-49.
40. Ramsay, Sholto (2014). ‘The ‘Nirbhaya Kerala’ Project to Inaugurate on Feb 15th’, <http://www.karmakerala.com/news/tag/women-safety>.
41. Rebernik, N., Szajczyk, M., Bahillo, A., & Goličnik Marušić, B. (2020). Measuring disability inclusion performance in cities using Disability Inclusion Evaluation Tool (DIETool). *Sustainability*, 12(4), 1378.
42. Shekhar, H., Schmidt, A.J., Wehling, H.-W., (2019). Exploring wellbeing in human settlements - a spatial planning perspective. *Habitat Int.* 87, 66–74. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2019.04.007>.
43. Sipahi, E., & Orselli, E. (2019). An Essay on the Concept of Women Friendly City Based on the Turkish Case. *Humanities and Social Sciences Review*, 1(3), 239–245.
44. Song, HS. and Park, TW. (2013). “Urban Planning Criteria for Women-friendly City by AHP.” *Journal of Urban Management* 26(4): 361-383.

45. UN Women. (2013). United United Nation Entity for Gender Equality and the Empowerment of Women.
46. Usha (2013). 'Kochi to be a Women Friendly City', <<http://www.karmakerala.com/news/2013/03/25/kochi-to-be-a-women-friendly-city/>>.
47. Yadav, Asmita, and Rashmi Kumari. (2021). "Women and Social Sustainability: A Critical Parametric Evaluation of Urban Settings in Developing Countries." IOP Conference Series: Earth and Environmental Science 795 (1). <https://doi.org/10.1088/1755-1315/795/1/012003>.
48. Zárte, M. R. d. (2014). Managing fear in public space: young feminists' intersectional experiences through Participatory Action Research." Les cahiers du CEDREF. Centre d'enseignement, d'études et de recherches pour les études féministes, 21, 1-12